

واژه‌گزینی و واژه‌سازی غیررسمی (درون متن و شفاهی) نیروهای مسلح با تأکید بر ارتش

محمدرضا ایروانی^۱، یحیی حسینیایی^۲، مسلم احمدی^۳

چکیده

واژه‌گزینی و واژه‌سازی یا لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در هر زبانی به دو صورت رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. از رایج‌ترین روش‌ها در هر زبانی، واژه‌گزینی و واژه‌سازی غیررسمی است که نویسندگان، استادان، شاعران، صاحب‌نظران و متخصصان رشته‌های مختلف و مردم عادی خودکار واژگان تازه‌ای را به فراخوثر نیاز خود می‌سازند. نیروهای نظامی (به‌ویژه ارتش) از مهمترین واژه‌سازان گمنام در زبان فارسی بوده‌اند که تاکنون واژه‌های زیادی اغلب به صورت غیررسمی (درون متن و شفاهی) ساخته و استفاده کرده‌اند و سبب افزایش توان و پویایی بیشتر زبان فارسی در حیطه نیازهای رزمی و دفاعی این زبان شده است. نیروهای نظامی اغلب از شیوه‌های مختلف و گاه ابتکاری و ذوقی برای واژه‌سازی یا واژه‌گزینی برای بیان مقاصد خود یا برای معادل‌سازی در برابر واژگان بیگانه استفاده

^۱ دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه امام علی (ع)، irvani1980@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه امام علی (ع). hosseinaiyahya@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه امام علی (ع).

کرده‌اند و ظرفیت و توان مناسب زبان فارسی را در بیان و انتقال درست دانش‌ها و نیازهای نظامی و رزمی نشان داده‌اند. توان این نهادها در رواج واژه‌های مصوب واژه‌سازان رسمی و نیز آفرینش و رواج واژه‌های غیررسمی از سوی نظامیان، شمشیری دولبه است و علاوه بر جنبه‌های مفید و مثبت آن، می‌تواند در صورت نبود نظارت، افراط و تفریط در امر واژه‌سازی و واژه‌گزینی یا بی‌توجهی دلسوزان زبان فارسی، زیان‌های بزرگی در رواج واژگان جعلی و نامناسب در پی داشته باشد؛ بنابراین توجه جدی و علمی به این موضوع بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: واژه‌گزینی، واژه‌سازی، زبان فارسی، نیروهای مسلح، ارتش

۱. مقدمه

شیوه‌های واژه‌گزینی و واژه‌سازی (بنا به کاربرد آن از سوی فرهنگستان) یا لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی (بنا به نظر استاد فرشیدورد) در هر زبانی به دو صورت رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. روش‌های رسمی از سوی نهادهایی که به این منظور ایجاد شده‌اند، صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر معمولاً سازمان‌ها و نهادهایی مانند فرهنگستان و دفترهای واژه‌گزینی این مسئولیت را برعهده دارند و بر اساس موازین خاصی اقدام به این امر می‌کنند. در برابر روش‌های رسمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی و بالطبع نهادهای رسمی مرتبط، ممکن است به دلایل گوناگون - از جمله در پیش گرفتن روش‌های نامناسب، واژگان انتخابی نامناسب، سختی تغییر دادن عادت مردم به استفاده از لغات جدید به جای لغات جاافتاده و ... - مقاومت‌هایی صورت گیرد. از سوی دیگر زبان یک واقعیت عام و پدیده‌ای پیچیده است که تغییرات واژگانی، دستوری و آوایی در آن به‌کندی صورت می‌گیرد: «زبان نهادی دیرپا و کُند سیر است ... به این ترتیب

سیال بودن و تحول یکی از ویژگی‌های زبان رسمی است، اما از طرفی ثبات و کندسیری نیز یکی دیگر از خصوصیت‌های آن است؛ زیرا باید بین گروه بی‌شماری ارتباط برقرار کند... از این رو اگر بیش از حد تغییر کند و اگر مانند زبان گفتار تحول آن سریع باشد، نمی‌تواند این وظیفه ارتباطی و ملی را به‌خوبی انجام دهد...» (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۱۸۱-۱۸۲)؛ از این رو دخالت نهادهای رسمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی - که معمولاً همراه با سرعت بخشیدن به تغییرات زبانی است- در تعارض با سیر طبیعی و تکاملی زبان است.

درباره واژه‌سازی و واژه‌گزینی رسمی هنوز قواعد و قوانین علمی دقیق، واضح و همه‌سویگرانه وضع نشده است و قواعدی هم که به صورت پراکنده وضع شده، مورد توافق همه استادان و صاحب نظران این امر نیست؛ یعنی رویکرد، دیدگاه‌ها و شیوه‌های یکنواخت و هماهنگی درباره واژه‌سازی و واژه‌گزینی - حداقل در زبان فارسی- هنوز وضع نشده است که همه استادان و صاحب نظران با آن توافق داشته باشند. در این باره رویکردهای گوناگونی مشاهده می‌شود:

« به طور کلی در زمان ما این گرایش‌ها در لغت‌سازی مشاهده می‌شود: سره‌نویسی،

عربی‌گرایی، فرنگی‌مآبی و اوستازدگی و روش اعتدالی. ... در این میان بهترین و اعتدالی‌ترین نظر آن است که کلمات و اصطلاحات فرنگی را تا جایی که ممکن است باید ترجمه کرد، ولی اگر معادل مناسبی برای آنها پیدا نشد، بهتر است به همان شکل اصلی وارد گردند. طبق نظر

اهل ذوق، عربی‌گرایی و فرنگی‌مآبی و سره‌نویسی و اوستازدگی همه روش‌های افراطی و مردودند؛ زیرا باعث ضعف و آشفستگی زبان فارسی می‌گردند. اعضای فرهنگستان ایران (اول) و برخی مترجمان صاحب ذوق، پیرو این نظرنند و راه اعتدال را در پیش گرفته‌اند و لغت‌های

دلنشینی ساخته‌اند که نه عربی آب نکشیده است و نه فارسی سره غلط و نه کلمات جعلی و دساتیری و نه فرنگی خالص (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۵۱۳-۵۱۵).

مهمترین مشکل برای واژگزینی و واژه‌سازی رسمی - اگر بر اساس اصول درست صورت

گیرد- استقبال عموم مردم و جافتادن و رواج آن در زبان است؛ زیرا بسیاری از واژگان فرهنگستان‌های سه‌گانه - اگر از لحاظ اصول واژه‌سازی واژه‌گزینی درست باشند- در بین مردم جا نیفتاده و رایج نشده است.

روش دوم واژه‌سازی را باید روش طبیعی آن دانست؛ یعنی در هر زبانی به صورت طبیعی شاهد رویش و مرگ تدریجی واژه‌ها هستیم. هر زبانی مانند یک موجود زنده واژگان جدیدی را می‌سازد و یا از زبان دیگری اخذ می‌کند و برخی واژگان هر زبان به علل گوناگون مانند عوامل و تغییرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و .. می‌میرند و از زبان خارج می‌شوند.

یکی از مهمترین و بهترین این روش‌های واژه‌سازی و واژه‌گزینی، واژه‌سازی و واژه‌گزینی از سوی دانشمندان، ادبا، شاعران، نویسندگان، صاحب نظران و متخصصان هر زبان است؛ یعنی صاحب‌نظران در هر رشته‌ای که هستند، برای مفاهیم مورد نیاز خود واژه جدید یا معادل به کار می‌برند یا برای واژه‌های موجود، معنای جدیدی لحاظ می‌کنند. این امر قدمتی به تاریخ حیات هر زبان دارد و اصولاً هر زبان از این طریق، مسیر تحول و تکامل خود را می‌پیماید. اغلب این امر در کتاب‌ها، مقالات و آثار صاحب‌نظران تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر استادان و صاحب‌نظران - اغلب ناخودآگاه- در آثاری که منتشر می‌کنند (یا در سخنرانی‌ها و گفتگوهایشان)، از امکانات زبانی هر زبان استفاده می‌کنند و با استفاده از توانایی، ذوق و تخصص خود لغات تازه‌ای می‌سازند و یا برای لغات موجود، معنای جدیدی وضع می‌کنند. برای مثال

واژه «حماسه» که معادل اپیک فرنگی انتخاب شده است. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در این باره می‌نویسد: «اصطلاح حماسه، در ادب فارسی که از قدیم‌تر ادوار، نمونه‌های برجسته حماسه را داشته، امری است جدید. در پنجاه سال اخیر، کلمه حماسه داخل تعبیرات نویسندگان و ادیبان ایرانی شده است و گرنه تا پنجاه سال قبل، هیچ کس شاهنامه را حماسه نخوانده بود. در سال‌های اخیر با توجه به اصطلاح اپیک^۱ فرنگی، بعضی از ادبا (مقارن جشن هزاره فردوسی، ۱۳۱۳ ه.ش.) کلمه حماسه را به جای اپیک به کار بردند و رواج یافت. عرب‌ها خودشان از حماسه، مفهوم اپیک را احساس نمی‌کنند. به همین مناسبت در مورد کتاب‌هایی از نوع شاهنامه یا ایلید یا مهابهاراتا، لغت حماسه را به کار نمی‌برند، بلکه واژه الملحمه را به کار می‌برند که به معنی جنگ سخت خونین است. می‌گویند ملحمه الشاهنامه یا ملحمه ایلید.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۰) یا «حس‌آمیزی» را نخستین بار دکتر شفیعی کدکنی در آثار خود به کار برد و بعدها استعمال آن عمومی شد. دکتر شمیسا در کتاب معانی اصطلاح زیر را نیز ساخته شده به وسیله دکتر شفیعی کدکنی ذکر کرده است: «در شعر قدیم فارسی استعمال خاصی از واو دیده می‌شود که به آن «واو حذف و ایجاز» گفته‌اند...» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۷۰)؛ به این شیوه، واژه‌سازی و واژه‌گزینی «درون متن» گفته می‌شود.

شیوه دیگر به وسیله مردمی که به هر زبانی سخن می‌گویند، صورت می‌گیرد. یعنی مردم کوچه و بازار و همه سخنوران زبانی در صورت نیاز به طرق مختلف اقدام به واژه‌سازی می‌کنند. شمیسا در کتاب بیان می‌نویسد: «... البته مردم نیز گاهی در اسم‌گذاری از استعاره استفاده

^۱ Epique

می‌کنند. مثلاً «سگ دست» که یکی از اجزای ماشین است یا «تاج خروس» که اسم گلی است...» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

این روش‌ها، مزیت‌های گوناگونی دارد. یکی اینکه مقاومت چندانی - اگر مطابق ذوق باشد - از سوی مردم و متخصصان زبان صورت نمی‌گیرد و خیلی سریع فراگیر و همگانی می‌شود. البته معایبی هم دارد؛ از جمله اینکه ممکن است مطابق با روح زبان نباشد؛ یعنی زیبا و برازنده زبان نباشد.

بیان مسئله

به نظر می‌رسد در ایران، نظامیان در امر واژه‌سازی و معادل‌گزینی، از دیگر طبقات اجتماعی پیشقدم‌تر بوده‌اند. در این پژوهش سعی می‌شود شیوه واژه‌سازی و واژه‌گزینی غیررسمی (درون متن و شفاهی) نظامیان بررسی و سپس تحلیل گردد. بدین منظور سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱- واژه‌سازی و واژه‌گزینی غیررسمی مبتنی بر شیوه درون متن و شفاهی نظامیان در زبان

فارسی چگونه بوده است؟

۲- عیوب و محاسن این شیوه کدام است؟

۳- تأثیر نظامیان در این امر و غنای واژگانی نظامی زبان فارسی چگونه است؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

دنیای امروزی دنیای تغییرات سریع و پیچیده است. علوم گوناگون - از جمله علوم نظامی - با سرعت شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای در حال پیشرفت است. هر روز فناوری‌ها و وسایل و ابزارهای جدید و مفاهیم جدیدی خلق می‌شود؛ در نتیجه فناوری، ابزار و مفاهیم گذشته دستخوش تغییرات گسترده می‌گردد. در تمام علوم - از جمله علوم و امور نظامی - طبیعتاً این تغییرات سبب به وجود آمدن مفاهیم و ابزارهای جدید می‌شود که نیاز به واژگان و اصطلاحات جدید دارد و غالباً واژگان گذشته پاسخگوی نیازهای روزافزون جدید نیست. دنیای امروز دنیایی است که تسلیحات گوناگون و جدید متناوباً ساخته می‌شود و به واژگان تازه‌ای برای نامگذاری نیاز دارد. در چنین شرایطی نیاز به روش کارآمد، اصولی و درست برای وضع واژگان جدید به روشنی احساس می‌شود. این امر سبب پیدایش نهادهای رسمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی - خاصه واژگان نظامی - در هر زبانی شده است.

البته در امر واژه‌سازی و واژه‌گزینی، تنها نهادهای رسمی مسئولیت این امر خطیر را به عهده ندارند و همیشه دانشمندان و متخصصان هر رشته‌ای نیز در صورت نیاز، اقدام به واژه‌سازی نموده‌اند و چه بسا بسیاری از آنها رواج عمومی یافته است. تبیین این روش و تحلیل این واژگان، راه را برای علمی کردن شیوه‌های جدید واژه‌سازی و واژه‌گزینی هموار می‌سازد. از سوی دیگر استعداد ذاتی هر زبان را در این امر مشخص‌تر می‌نماید و چه بسا الگوهای تازه‌ای را در این مسیر نشان دهد. بنابراین انجام چنین پژوهش‌هایی ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، با پیشرفت‌های حیرت‌انگیز جدید، اندیشه و مفاهیم و فرهنگ انسان معاصر و مدرن در حوزه‌های مختلف تغییرات شگرفی با گذشته داشته است که بیان مافی‌الضمیر و نیازهای روزمره و دانشی و پژوهشی گویشوران زبانی در حوزه‌های مختلف نیز تغییرات زیادی داشته است و یا نیاز به تغییرات جدید احساس می‌شود و گویشوران هم به آفرینش‌های جدید در زیرمجموعه‌های زبان مانند اصطلاحات و واژه‌ها و دیگر شئون آن اقدام کرده‌اند و یا وام‌واژه از زبانهای بیگانه اخذ کرده‌اند. در زبان فارسی نیز نیاز به برنامه ریزی زبانی برای حفظ پویایی و زاینده‌گی و جوشندگی زبانی متناسب با تغییرات مستمر جهان معاصر ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر گامی در راه برنامه ریزی زبانی در قلمرو و حوزه دفاعی و نظامی زبان فارسی است تا به صورت علمی‌تر با این تغییرات همراه شود و پویایی خود را بیفزاید.

واژه‌گزینی و واژه‌سازی غیررسمی نظامیان

نظامیان از دیرباز، با توجه به نیاز سازمانی‌شان اقدام به واژه‌سازی و واژه‌گزینی کرده‌اند. بسیاری از واژه‌های علمی و عادی نظامی در زبان‌های مختلف اغلب ساخته و پرداخته ذهن و روابط نظامیان با هم بوده است؛ زیرا آنها در تمام مدت خدمت با شغل نظامیگری و التزامات آن درگیر بوده‌اند و چه بسا برای برخی مفاهیم و مسائل در حوزه فعالیت خود، با کمبود واژه مواجه بوده‌اند و ناگزیر یا از زبان‌های دیگر اخذ می‌کرده‌اند و یا خود اقدام به واژه‌سازی و واژه‌گزینی کرده‌اند؛ همچنان که پزشکان، استادان ادبیات، تاریخ‌دانان و سایر صاحب‌نظران و حتی نجاران، تعمیرکاران خودرو، کفاشان، آهنگران و ... - یعنی غالب اصناف- در حوزه فعالیت خود با واژه‌هایی سر و کار دارند که خود ساخته‌اند و به مرور این واژه‌ها، عام و همگانی شده است.

شمیسا در کتاب بیان می‌نویسد: «البته مردم نیز گاهی در اسم‌گذاری از استعاره استفاده می‌کنند. مثلاً «سگ دست» که یکی از اجزای ماشین است یا «تاج خروس» که اسم گلی است...» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۵۵) که دو واژه یاد شده از واژگان برساخته فرهنگستان نیستند.

بدین ترتیب ارتش و نظامیان، یک گروه از واژه‌سازان گمنام هستند که از استعداد زبان فارسی در این امر استفاده می‌کنند و به‌صورت خودکار واژه می‌سازند. هر چند واژه‌سازان و واژه‌گزینان رسمی مانند فرهنگستان چنین کاری را هم انجام می‌دهند؛ اولاً از عمر این نهادها مدت زیادی نمی‌گذرد. دوم اینکه وضع لغت برای بسیاری از مفاهیم علمی و غیرعلمی نظامی که هر روز بر وسعت واژگان مورد نیاز آن افزوده می‌شود، بسیار مشکل و زمان‌بر است و در کوتاه‌مدت نهادهای رسمی مانند فرهنگستان به تنهایی و بدون کمک نظامیان نمی‌توانند به چنین امر بزرگی اقدام نمایند. در حال حاضر هم برای معادل‌سازی لغات طی ارسال نامه‌هایی به یگان‌های مختلف نیروهای مسلح از آنها نظرخواهی می‌شود و از این طریق نظامیان نیز به صورت غیرمستقیم در امر واژه‌سازی و واژه‌گزینی دخالت دارند. از سوی دیگر باید به محدودیت‌های واژگان فرهنگستانی در زمینه استقبال و عدم استقبال هم توجه کرد.

با توجه به گسترش شگفت‌انگیز علوم مختلف به ویژه علوم نظامی و ترجمه کتاب‌ها، مجلات و سایر علوم مرتبط با این علوم به زبان فارسی، واژه‌های بیگانه که هر روز وارد زبان فارسی می‌شود، بسیار زیاد و تا حدی خارج از توان نهادهای رسمی برای معادل‌یابی است؛ در اینجا است که اهمیت واژه‌سازان غیررسمی مشخص و برجسته‌تر می‌شود و اصولاً یکی از راهکارهای مؤثر برای مقابله با ورود سیل آسا و بی‌حد و حصر واژگان بیگانه به زبان فارسی، استفاده از واژگان ساخته شده به وسیله واژه‌سازان غیررسمی یا پیدا کردن راه‌حلی برای تربیت و آموزش

این واژه‌سازان - مانند آموزش مترجمان کتب نظامی - است تا واژگان منتخب آنها از هر جهت با روح زبان فارسی منطبق باشد.

ارتش با توجه به سازمان عظیم و با سابقه زیاد خود، استعداد و ظرفیت دیگری هم در این مورد دارد و چه بسا بسیاری از واژه‌ها و ضرب‌المثل‌های مورد استفاده - به غیر از واژه‌های کاربردی که انجمن و نهادهایی مانند فرهنگستان ساخته‌اند - به وسیله همین نظامیان ساخته و به کار برده شده و جنبه عام و همگانی پیدا کرده است؛ درست مثل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحاتی که به مرور رواج می‌یابند؛ مانند خالی‌بند و ... که هر یک داستان جداگانه دارند.

ارتش با توجه به نظام و قوانین خاص خود، ادبیات و فرهنگ خاصی دارد. تا جایی که حتی نحوه معرفی پرسنل آن با بقیه سازمان‌ها و سایر مردم تفاوت‌هایی دارد؛ پس جای تعجب ندارد که به واژگان جداگانه‌ای نیاز داشته باشد و برخی از کارکنان آن برای فرهنگ و شرایط خاص آن، واژه بسازند. برای مثال سربازان در جمع خودمانی خود از واژه «نبود» استفاده زیادی می‌کنند که برای آنها معنی و ارزشی بیش از یک فعل عادی دارد و بیشتر بیانگر شوق آنها برای پایان خدمت است و به صورت‌های «نبود سه ماه دیگر» (صورت کلی آن «نبود + مدت زمان باقیمانده از خدمت) + دیگر» و ... به کار می‌رود.

به علت همزیستی حدوداً دو ساله سربازان و فرماندهان با هم، ممکن است در جمع آنها اصطلاحات مشترکی رواج یابد که از نحوه تعامل آنها با هم یا از طریق فرماندهی به آنها منتقل شده باشد. در این بین ممکن است واژه‌ای ایجاد شود و چه بسا کاربرد عام یابد (واژگان جارگون).

در فرهنگ واژگانی خاص نظامیان، گاه با واژه‌هایی مواجه می‌شویم که کمتر به فرهنگ لغت‌ها وارد شده است. تاکنون واژگان بسیاری از این دست به وسیله نظامیان ساخته شده و حتی کاربرد عام یافته است؛ یعنی گاهی نظامیان برای برخی واژگان موجود در زبان، علاوه بر معانی موجود، معانی جدید درست کرده‌اند؛ به عبارت دیگر آنها نقش توسعی معنایی برای برخی واژگان فارسی ایجاد کرده‌اند؛ مثلاً واژه «خرج» در اصطلاحاتی چون «خرج پرتاب»، «خرج اشتغال»، «خرج تأخیری»، «خرج تکمیلی»، «خرج اضافی» و ... به معنی مقدار ماده منفجره‌ای است که برای پرتاب گلوله، بمب و... در وسایل جنگی مانند توپ، تانک و ... مورد نیاز می‌باشد. در فرهنگ معین، «خرج» به معنی «هزینه»، «حق کار و زحمت»، «نفقه»، «باج»، «خراج» آمده است و عبارت عامیانه «سخن(حرف) به خرج کسی نرفتن» هم «مؤثر واقع نشدن سخن(حرف) در وی» معنی شده است، ولی به معنی نظامی آن اشاره‌ای نشده است. در لغتنامه دهخدا هم معنی نظامی واژه «خرج» نیامده است. بنابراین در این مورد، نقش توسعی معنایی برای این واژه داشته است و برای آن معنای جدیدی در نظر گرفته‌اند.

کار دیگر نظامیان ایجاد اصطلاحات جدید در زبان فارسی بوده است. این امر را در واژه‌های علمی، بیشتر نظریه‌پردازان و نویسندگان کتاب‌های نظامی و در مورد سایر واژگان، کارکنان پایور و سربازان انجام داده‌اند: برای مثال می‌توان به «برنامه سین» یا «روز ر»، «ساعت سین» و ... اشاره کرد که برای نظامیان معنی کاملاً خاص و مشخصی دارد.

واژه‌های زیر را نویسندگان، صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان نظامی ساخته‌اند و یا به‌عنوان

معادل‌هایی برای واژه‌های بیگانه پیشنهاد داده‌اند^۱:

آبشور، آتش افتان، آتش بعد از تهیه، آتش پهلویی، آتش ترادفی، آتش تراشنده، آتش تقسیم شده، آتش تهیه، آتش جبهه‌ای، آتش قبل از تهیه، آتش مایل، آتش و حرکت، آتش و مانور، آتش هجومی، آتش!، آرایش پله به راست (یا چپ)، آرایش لوزی، آرایش خطی، آرایش نظامی، آرایش مجزا، آرایش یکجا، آرایش ستونی، آفند، آماد، آماد آب، آیین نگارش نظامی، اجرای تیر، اخبار نظامی، اختفا، ادای احترام نظامی، استتار، اشک‌آور، اصل آفند، اصل پدافند، اصل تأمین، اصل سادگی، اصل صرفه‌جویی در قوا، اصل غافلگیری، اصل مانور، اصل مانور، اصل وحدت فرماندهی، اصل هدف، اصول جنگ، اطلاعات رزمی، اطلاعات نظامی، افسر آموزش، افسر جانشین، افسر سر نگهبان، اقدامات عامل، اقدامات غیرعامل، امربر، انضباط آتش، انضباط استتار، انضباط ظاهری، انضباط معنوی، انضباط، بازدید سیستماتیک، بازدید فنی، بازدید مقایسه‌ای، براندازی، بمب‌افکن، بنه صحرایی، بنه رزمی، بنه گردان، بهداری، پاتک، پاسدار رزمی، پاسدار، پایگاه، پدافند، پرتگاه، پوشش، پیام، پیام‌رسان، پیشروی، ترابری، تعاقب، تغییر سمت تدریجی، تغییر سمت ناگهانی، تک اصلی، تک پشتیبانی، تک شبانه، تک هماهنگ شده، تک، تکاور، تلفات رزمی و غیر رزمی، تلفات، توپخانه، تهوع‌آور، جلودار، جنگ روانی، جنگ نامتقارن، جنگ ناهمپراز، جنگ‌افزار، جنگنده، جنگ‌های چریکی، جنگ‌های نامنظم، جیره اردویی، جیره اضطراری، جیره دانشجویی، جیره عادی، جیره عملیاتی، جیره غذایی، چتربازی،

^۱ . این واژگان از متن این کتاب انتخاب شده است: «دانش نظامی افسران، جلد اول، اطلاعات نظامی، سرتیپ

حرکات به جلو، حرکات به عقب، حرکت برای اخذ تماس، حفاظت فیزیکی، حیطه‌بندی، خرابکاری، خرج اشتعال، خرج اضافی، خرج پرتاب، خرج تأخیری، خرج تخریبی، خرج تکمیلی، خرج گود، خنده‌آور، درگیری، دژبان، دستور آگهی، دستور اداری و لجستیکی، دستور جزء به جزء، دستور رزمی، دستور عملیاتی، دودانگیز، دوربین، ترک پست، دیدبانی، دیده‌ور، رابط، ردۀ احتیاط، رزم انفرادی، رزمایش، روزآمد، روش‌های کنترل آتش، زاویه بی‌روح، زخمی، زرهی، ستاد مشترک ارتش، سر رشته داری، سنگر، شورش، شیب، صورتجلسه، ضد تانک، ضد شیب، ضد گلوله، طبقات آمادی، طرح شفاهی، طرح کتبی، عقب نشینی، عقب‌دار، عمده‌قوا، عملیات پدافندی، عملیات تأخیری، عملیات مراقبت منطقه‌ای، عملیات، عناصر فرمان آتش، عوامل تاووزا، عوامل شیمیایی، فرار، فرمان آتش، فرمان تیر، فریب، فشنگ ثاقب، فشنگ رسام، فشنگ مشقی عادی، فشنگ، قطب‌نما، گریز، گشتی شناسایی، گشتی، گشتی‌های رزمی، ماسوره ضربتی، ماسوره، مأموریت، مانور احاطه‌ای (یکطرفه، دوطرفه، قائم و دورانی)، مانور جبهه‌ای، رزمایش، مانور رخنه‌ای، مجروح، محاصره، مخبرات، موشک قاره‌پیما، موشک، نارنجک، نامه، نبرد ناهمگون، نقشه‌خوانی، نقطه تقیسم، نواخت آتش مداوم، نواخت آتش، نواخت تیر، نیرو مخصوص، هواپیمای رهگیر، هواپیمای شکاری، هوانیروز، یگان آماده و ...

واژه‌های ذکر شده تنها تعداد محدودی از واژه‌های مورد استفاده در کتاب‌های نظامی است و واژه‌های نظامی شفاهی، به نظر می‌رسد بیشتر باشد.

واژه‌های جدید دیگری نیز در کتاب‌های تخصصی نظامی نیز از سوی صاحب نظران نظامی ساخته شده است که برخی از آنها عیناً از کتاب «مهندسی سلاح» تألیف سرتیپ دوم وطنخواه و ستوانیکم امید ویسی ذکر می‌شود:

«برخی از موشک‌های زمین به زمین ایرانی عبارتند از: آرش، فجر، حدید، حاسب، نازعات، نور، عقاب، شاهین، کوثر، نافذ، رعد، صاعقه، زلزال ۱ و ۳، شهاب ۱ و ۳»، آب‌بند کننده‌های پلاستیکی، آتشزنه، آستر، آشیانه تیربارها، اتاق خرج (خزانۀ باروت)، اثر جراحات، اداره کل تبلیغات دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی، استقرار و نصب دستگاه نشانه‌روی، استوانه یا مکانیزم ناظم عقب‌نشینی، اسفنجی شدن داخل لوله، اهرم پوک‌ه‌پران، بادکردگی (لوله)، بالشتک کنترل گاز، بالک‌های موشک، بال‌های موشک، بخش پیشران، برجک گردنده، برد مؤثر، برد نهایی گلوله، برگه ناظم آتش، بند یا جلد چرمی، بورسکویی لوله، پرتاب نارنجک، پیاده‌نظام، پیچش خان، پیشانی جنگی، تپانچۀ خودکار (مسلسل دستی)، تجهیزات دیگر مانند بند، دستگیرۀ حمل و وسایل تنظیف، ترک‌های مویی، تفنگ ۱۰۶ میلیمتری، تفنگ ۵۷ میلیمتری، تفنگ ۸۲ میلیمتری، تفنگ‌های بدون عقب‌نشینی، تلرانس (رواداری)، تنش فشاری، توپ ۱۳۰ میلیمتری ام ۴۶، توپخانۀ خودکشی، توپخانۀ ساحلی، توپخانۀ ضد‌هوایی، توپخانۀ کشتی، توپخانۀ محمول با راه‌آهن، توپخانۀ محمول هوایی، توپخانۀ محمول، توپخانه‌های صحرایی، ته‌پر، تیربار ۱۲/۷ میلیمتری دوشکا، تیربار ۱۲/۷ میلیمتر ام ۲، تیربارهای سبک، تیربارهای سنگین، جدارۀ لوله، جراحات انفجاری، جنگ‌افزارهای دستی، جنگ‌افزارهای دوشی، چاشنی احتراق، چخماق، حالت تک‌تیر، حالت رگبار، حالت ضامن، حامل کولاس، حرارت و ساییدگی، حرکت بالستیکی، حساسه، حسگرها (سنسورها)، خان‌پریدگی، خان‌خوری به روش الکتروشیمیایی، خان‌زنی، خان‌کشی، خان‌کوبی، خان‌مالی، خرج میانجی، خزانۀ لوله، خزانه (محفظۀ احتراق)، خط سیر منحنی، خطر خودافروزش نابهنگام باروت، خطر خودافروزی و فرسایشی لوله، خمپاره‌انداز ۶۰ میلیمتری، خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری تامپلا، خمپاره‌انداز ۸۲ میلیمتری کراهی، خمپاره‌اندازها،

خمپاره‌اندازهای سبک، خنک کننده هوایی، خنک‌کننده‌ها، خودروی شنی‌دار، خوردگی مکانیکی، خوردگی و ساییدگی (لوله توپ)، دافع دهانه (شعله‌پوش)، درپوش بدنه، درصد بازدهی سلاح، دستگاه آتش چکشی (ضربتی)، دستگاه آتش ضربتی - کششی مداوم، دستگاه تغذیه، دستگاه چکاننده مکانیکی، دستگاه چکاننده، دستگاه دافع، دستگاه عاید، دستگاه درجه‌گردان، دستگاه ضارب، دستگاه ضربت‌گیر، دستگاه گهواره سلاح‌های سنگین، دستگاه لوله، دستگاه موازنه فنری، دستگاه موازنه گازی، دستگاه نشانه‌روی تک‌نقطه‌ای، دستگاه نشانه‌روی دستگاه‌های آتش مهمات پوک‌دار، دستگاه‌های نشانه‌روی عدسی‌دار یا موازی‌کننده، دستگیره آتش، دستگیره کشاننده، دقت نقطه‌زنی موشک، دوپایه و قنداق، دهانه لوله، دهن‌بند (درپوش) لوله، ذخیره‌برداری، ذخیره‌سازی مهمات، رادارها و سامانه‌های مراقبت و شناسایی، سامانه فریب راداری، رانش گلوله، روآیک، روپوش لوله، روغن کاری سلاح، روکش، رینگ (حامل) کولاس گوه‌ای، رینگ‌های جا زده انطباقی، زاویه اشتباه، زوایای نامرئی، زه پوک، ساختمان دستگاه لوله، سازمان هوا و فضای ایران، سرپر، سرجنگی انفجاری، سرجنگی با خرج شکل‌دار، سرجنگی شیمیایی یا بیولوژیکی، سرجنگی متلاشی‌شونده یا ترکشی، سرجنگی معمولی، مهندسی معکوس، بازتولید، بالگردها، سرجنگی هسته‌ای، سرعت دهانه، سرنیزه جدا، سرنیزه سرخود، سلاح‌های خودکار و یا نیمه‌خودکار، سلاح‌های خودکار (اتوماتیک)، سلاح‌های سبک، سلاح‌های هسته‌ای، سوخت پیشران، سه‌پایه تیربارها، سهم‌ها و بیلچه‌ها، سازه، سیستم عقب‌نشینی سلاح عاید (برگشت‌دهنده لوله از عقب‌نشینی) و دافع (ترمز عقب‌نشینی)، سیستم هدایت موشک، سیستم‌های رادار و هدایت هواپیما، سیم‌بر، شاتل فضایی، شعله‌پوش، شکاف درجه، شیپوره انتهایی موشک، ضدزره، ضربه‌گیر تنفسی، طوقه، عدسی‌دار، عدم مس‌گیری، عقب‌نشینی بلند،

عقب‌نشینی کوتاه، عمل سلاح، عمل گلوله‌گذاری، غیرقابل رهگیری، فشنگ‌های رسام، فشنگ‌های معمولی، فناوری‌های روزآمد دفاعی، فنر ارتجاع، قفل توپی، قنداق تاشو، قنداق چوبی، قنداق کائوچویی، قنداق مقاوم، کلاهک یا سرجنگی، کولاس گوه‌ای لغزنده، کالیبرسنجی، کشندگی (مخرب بودن)، کلاه‌خود، کلاهک جنگی و هسته‌ای، کمربند مسی گلوله، گاز باروت حاصل از احتراق خرج پرتاب، گردش خان، گریس خورها، گریس کاری، گلوله ضد نفر، گلوله ضدتانک، گهواره (برای استقرار سلاح و تنظیم مکانیزم برد و سمت بر روی پایه‌ها به کار می‌رود)، لباس ضد گلوله، لوله‌های چند لایه، لوله‌های قابل تعویض، لوله‌های یک لایه، ماشه الکتریکی، مأموریت گشت‌زنی، مانورپذیری، ماهیچه‌های گوشواره (قسمتی از لوله تپانچه و تفنگ است)، متعلقات لوله مانند سرنیزه، مجموعه حرکت در برد و سمت (برای دادن زاویه، محفظه کولاس، مخرب و مرگ‌آور، مخروط رابط، مرحله برگشت، مرحله رفت، مرحله اخراج، مرحله ادخال، مرحله باز شدن، مرحله بسته‌شدن، مرحله پرش، مرحله تظاهر، مرحله چفت شدن، مرحله رها شدن، مرحله ضربت‌زدن، مرحله مسلح‌شدن، مرمی، کلاه‌خود، مسلح کردن با نیروی عقب‌نشینی، مسلح‌کننده کمپرسی، مسلسل‌های براونینگ، مغزی گلوله، مقر توپی، مقر کنترل گاز، مکانیزم آتش یا دستگاه سوزن، مگسک، منطقه احتیاط عقب سلاح، موتور (پیش‌رانه)، موج ضربه‌ای، موشک اسکاد، موشک بالستیک دوربرد، موشک بالستیک فجر ۳، موشک بالستیک کوتاه‌برد، موشک بالستیک میان‌برد، موشک شهاب ۴، موشک‌های سوخت جامد، موشک کروزر دریایی ضدکشتی، موشک هوا به زمین، موشک‌های آزاد بالستیکی، موشک‌های زمین به زمین، موشک‌های ضداهداف دریایی، موشک‌های کروزر ضداهداف زمینی، موشک‌های کروزر ضدکشتی، موشک‌های هدایت شونده، موشک‌های هوا به هوا، موشک‌های هوا

به هوای فاطر و سجیل، موشک نور، موشک رادارگریز ساحلی و دریایی، موشک‌های برد کوتاه، موشک‌های پدافند هوایی، موشک‌های دو زیست، موشک‌های ضدزره، موشک‌های قاره‌پیما، موشک‌های کروز، مهمات مجزای پرشونده، نارنجک و نیزه آتشین، نسبت انبساط سلاح، نفربر زرهی، نواخت تیر، نوک مگسک، نیروهای مسلح، واحدهای نظامی، هدف‌گیری، تله‌انس (رواداری)، هویتزر ۱۵۵م کا ۱۷۹، هویتزرها، هیدرولیکی و ...

گروه دیگری از واژه‌های نظامی، بیشتر در ادبیات شفاهی نظامی به کار می‌رود و جزء واژه‌های پرکاربرد در ارتش محسوب می‌شود. این دسته شامل واژه‌های مربوط به فرمان‌های نظامی، ادوات نظامی، البسه نظامی، تجهیزات رزمی، شیوه‌های رزم و ... می‌شود. بیشتر این واژه‌ها بر ساخته نظامیان است نه سازمان‌های واژه‌گزینی رسمی؛ و بیشتر به صورت شفاهی به کار می‌روند. در اینجا به شماری از این واژه‌ها اشاره می‌شود:

۱- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به فرمان‌های نظامی: از جلو نظام (فرمانی است برای پشت سر قرار گرفتن نفرات^۱)، خبر دار (فرمانی است جهت تغییر وضعیت به حالت ایستادن صحیح)، از راست نظام، به خط شدن، نیزه جا (به منظور برداشتن نیزه از روی اسلحه و گذاشتن آن در غلاف سر نیزه صادر می‌شود)، در جا قدم رو (فرمانی است به منظور آماده شدن یگان برای حرکت و یا اجرای حرکات نظام جمع)، نظر به راست (به منظور نظاره به مقامی است که در سمت راست ایستاده)، به چپ چپ (فرمانی است به منظور تغییر سمت به سمت چپ به میزان ۹۰ درجه)، عقب گرد (فرمانی است به منظور برگشتن از سمت کنونی به سمت عقب به

^۱ - اغلب تعاریف ذکر شده درباره فرامین نظامی از کتاب «مشق صف جمع» تألیف سیدمحمدرضا حسینی و مجید کاظمی آورده شده است و تمام اصطلاحات یاد شده در این کتاب با آوردن تصاویر شرح داده شده است.

میزان ۱۸۰ درجه)، دوش فنگ (در این فرمان اسلحه روی دوش گذارده می‌شود)، به دست فنگ (در این فرمان اسلحه با دو دست به سینه می‌چسبد)، پا فنگ (در این فرمان اسلحه در کنار پای راست گذارده، چسبیده به زمین می‌شود)، نیزه فنگ (به منظور ادای احترام در مراسمات نظامی و با نصب نیزه بر روی تفنگ همراه می‌باشد)، نیزه جا (به منظور برداشتن نیزه از روی اسلحه و گذاشتن آن در غلاف سر نیزه است)، در جا قدم رو (فرمانی است به منظور آماده شدن یگان برای حرکت و یا اجرای حرکات نظام جمع)، آزاد (فرمانی است که به نفرات در حال خبر دار داده می‌شود)، بند فنگ (در این فرمان اسلحه از طریق بند آن به پشت انداخته می‌شود)، حرکت هشت پا (نوعی ادای احترام نظامی ویژه نظامیان تازه ورود است)، بدو رو، چپ به عقب رو، راست به عقب رو، سان (دیدن یا بازدید از رژه هر یگان از سوی ارشدترین فرد میدان)، رژه (یک مانور نظامی منسجم و مستحکم با انجام یک سری حرکات موزون و هماهنگ را گویند)، بند فنگ (آویختن اسلحه به پشت برای حمل آن در مسافت‌ها دور)، حمایل فنگ (آویختن اسلحه برای راهپیمایی‌های طولانی یا آزاد بودن هر دو دست نفر)، پیش، بدو بایست، صف جمع وسط بایست، راحت باش، در جا قدم رو، در جا راحت باش، نیزه فنگ، پیش فنگ، به جای خود، میدان بایست، گروه مسلح به پرچم پیش فنگ، دوش فنگ، گروهان یا گردان خیلی خوب، گروهانی حرکت کنید، جنگ اعصاب (به نوعی سخنرانی طولانی درباره یک موضوع کاملاً بی‌اهمیت در شرایطی که سربازان احتیاج به خواب دارند برای بالا بردن آستانه تحمل سربازان) و ...

۲- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به البسه نظامی: فرنچ (نوعی پیراهن نظامیان که

بالاتنه را می‌پوشاند)، شلوار، گتر (کشی که بالاتر از مچ پا برای جمع کردن پاچه شلوار در

هنگام پوشیدن پوتین)، پوتین (نوعی چکمه (کفش) چرمی نظامی)، لباس کار، لباس استتار، لباس فصل، کاشکول (تکه‌ای پارچه اغلب به رنگ سفید که در لباس فصل، سینه و گریبان را می‌پوشاند)، برگ سینه، پلیور، زیرانداز و...

۳- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به تاکتیک‌ها و شیوه‌های رزمی: مانور (همایشی جهت نشان دادن قدرت یک یگان که شامل آزمایش سلاح‌های جدید و نمایش‌های رزمی می‌باشد)، پدافند، آفند، تک، تک هماهنگ شده، تعاقب، شناسایی با رزم، عقب‌نشینی اختیاری، عقب‌نشینی اجباری، عقب‌روی، به رژه، تکنیک خیز (سریعترین روش برای حرکت از یک جان پناه به جان پناه دیگر)، رزم شبانه، رزمایش و...

۴- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به ادوات نظامی و مواد منفجره: تانک، توپ، هویتزر، توپ خودکشی، توپ کششی، ادوات شنی‌دار، برجک (توپ یا تانک) این واژه از واژه‌های ناب خودساخت ارتشیان است، خمپاره‌انداز، ناخنک فشنگ‌کش (زبانه یا لبه‌ای فلزی روی گلنگدن برخی سلاح‌های گرم است که برای درآوردن و بیرون کشیدن پوکه فشنگ شلیک شده از جان لوله به کار می‌رود)، مِهْمَات (به معنی مواد قابل انفجاری است که برای استفاده در جنگ‌افزار به کار می‌رود)، دستگاه روزنه دید (دستگاهی بر روی تفنگ برای نشانه‌گیری دقیق)، آتشبار، نارنجک، مین، فشنگ، بمب‌های خوشه‌ای، سیم تله، تله انفجاری و ...

۵- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به اماکن نظامی: میدان موانع، سکوی آتش (محلی است که در موقع تیراندازی به طور ایستاده از آن استفاده می‌کنیم)، پوشش (حایلی که سرباز را از تیر و آتش دشمن محافظت می‌کند) و ...

۶- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به تجهیزات جنگی و بار همراه سرباز: ماسک

(وسیله‌ای جهت حفاظت در مقابل عوامل شیمیایی، گازها و...)، جعبه تنظیف (جعبه‌ای شامل وسایل نظافت اسلحه که هر اسلحه‌ای جعبه‌ای مخصوص خود دارد)، زیلو (زیرانداز ویژه نظامیان را زیلو گویند و جنس آن برزنت است)، کلاه آهنی، کلاه کار، قمقمه (وسیله‌ای جهت نگهداری آب)، جیب خشاب (وسیله‌ای جهت نگهداری خشاب که به کمر بسته می‌شود)، فانوسقه (فانوسقه، فانوسکا یا جای فشنگ از لوازم [سربازان](#) است)، کوله پشتی، زیرانداز، ساچمه (به گلوله‌های کوچک سربی گفته می‌شود. کاربرد اصلی ساچمه‌ها به عنوان [پرتابه](#) در انواع [تفنگ‌ها](#) است، اما کاربردهای صنعتی گوناگونی نیز دارد)، تانک (ارابه جنگی [شنی‌دار](#) و زره‌پوشی است که برای شلیک مستقیم به دشمن طرح شده است)، سلاح یا جنگ‌افزار (وسیله‌ای است که برای کشتار و تخریب به کار می‌رود. از بعضی سلاح‌ها برای کاربردهای غیرنظامی یا ورزش و تفریح نیز استفاده می‌شود)، اسلحه‌خانه یا سلاح‌خانه (به محل انبار، نگهداری و اندوزش سلاح‌ها، ابزار، تجهیزات و [مهمات](#) جنگی گفته می‌شود)، سرنیزه (آلتی فولادین و نوک تیز که آن را بالای نیزه یا تفنگ نصب کنند)، چهار بند، بسته خواب، بار همراه، غلاف سرنیزه، بار مبنا (مقدار مهماتی که با پرسنل و وسایط سازمانی حمل می‌شود)، چادر انفرادی، کیسه انفرادی (محتوی وسایل مجاز که دسترسی بدان در درجه دوم اهمیت قرار دارد و بنا به وضعیت در هر ۲۴ ساعت در دسترس سرباز گذاشته می‌شود) و ...

۷- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به دوره‌های رزمی: دوره عالی (دوره‌ای ویژه افسران

عادی (سروان، ستوان یکم و ستوان دوم) که پس از گذراندن آن به عنوان افسر ارشد دست می‌یابند)، دوره مقدماتی (دوره‌ای ویژه افسران فارغ التحصیل از دانشگاه‌های آجا با درجه ستوان

دومی)، دورهٔ جهت‌یابی (دوره‌ای مخصوص نظامیان به منظور آشنایی آنان به جهت‌یابی و دستگاه‌های ویژه جهت‌یابی)، دورهٔ چتربازی (دوره‌ای است به منظور آشنایی نظامیان با چتر و چتربازی و آموزش آنان در این زمینه به صورت عملی و نظری)، تکاور (رنجر)، رزم در کوهستان (کماندو)، زندگی در شرایط سخت، رهایی گروگان، جنگ شهری و...

۸- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به وظایف و مشاغل خاص نظامی و رزمی: پاسداری، نگهبان و نگهبانی، دیده‌ور، دیده‌بان، رابط، امربر، دژبان (فردی نظامی مسئول ایجاد نظم و کنترل عبور و مرور) و ...

۹- گروه واژگان و اصطلاحات اداری و مراسم‌های نظامی: ستاد (مرکز فرماندهی مربوط به هر یگان (پادگان لشکر نیرو و...) را ستاد می‌نامند)، برنامه سین (ترتیب اجرای برنامه‌های روزانه یگان و نفر)، صبحگاه (مراسمی است ویژهٔ نظامیان به منظور سنجش قدرت و نظم یگان و ابلاغ دستورات به هنگام صبح و اغلب ساعت ۷ تا ۹ صبح برگزار می‌شود)، شامگاه (مراسمی است ویژهٔ نظامیان به منظور سنجش قدرت و نظم یگان و ابلاغ دستورات که در ساعات نخست شب برگزار می‌شود و اغلب در مراکز آموزشی نظامی برگزار می‌گردد)، عصرگاه (مراسمی است ویژهٔ نظامیان به منظور سنجش قدرت و نظم یگان و ابلاغ دستورات که به هنگام عصر برگزار می‌شود)، رسته (تخصص نظامیان را رسته می‌نامند)، دانشپایه (کلاس درس را دانشپایه گویند)، جشن تحلیف و سردوشی و...

۱۰- گروه واژگان و اصطلاحات مربوط به آرم، نشان‌ها و علائم نظامی: آرم و علایم (نشان‌های نصب شده بر روی لباس‌های ویژهٔ نظامیان)، سردوشی (نشانی که بر روی شانه

نصب می‌گردد)، سربند، نشان(آرم) تکاور، نشان(آرم) ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشان(آرم)

نزاجا، نشان(آرم) مربوط به رسته‌ها(نشان رسته پیاده، زرهی، توژخانه و...)، و ...

چند نکته درباره اصطلاحات نظامی که شماری از آنها در بالا ذکر شد:

۱- نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که بسیاری از واژگان ذکر شده تا صد یا

صد و پنجاه سال گذشته هیچ‌گونه کاربردی نداشتند و پس از این زمان است که در

زبان فارسی به وجود آمده‌اند.

۲- برخی از واژگان اشاره شده از سوی سره‌سازانی ساخته شده که از اوایل قرن

چهارده هجری در دفترهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی ارتش نفوذ کرده بودند. فرشیدورد

معتقد است: «... قبل از کسروی بعضی از سره نویسان بدون آنکه فرقه مشخصی

تشکیل دهند، برای «ارتش» و دستگاه‌های دیگر دولتی لغت ساختند و کلمات غلط

ارتش و سروان و ستوان و تیمسار را آنها وارد زبان فارسی کردند... ذبیح بهروز از قبل

از شهریور ۱۳۲۰ وارد دستگاه‌های لغت‌سازی «ارتش» شده بود و به یاری یاران

خویش در آنجا ده‌ها لغت غلط و نامربوط ساخت و به نظامیان تحمیل کرد که

متأسفانه به وسیله دولت رواج یافت. اینان برای تغییر زبان فارسی از لغات جعلی و

غلط دساتیری هم مدد گرفتند و بعضی از آنها را رواج دادند. سپس بهروز در نتیجه

عدم آگاهی کافی کارگزاران فرهنگستان ایران خود را به آن مؤسسه مفید افکند و

کلماتی نامناسب و نابهنجار هم وارد لغات مناسب آن سازمان کرد.» (فرشیدورد،

جلال آل احمد نیز با توجه به وضع نامساعد واژه‌سازی آن دوران در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» این گونه زبان به انتقاد می‌گشاید: «مراجعه کنید به «مهنامه ارتش شاهنشاهی ایران» شماره‌های ۵ و ۶ سال ۱۳۴۷ و ببینید چه زبان من در آورده و تازه‌ای را دارند باب می‌کنند و این فهرست مختصری از آن است که به جای لغات قدیمی لغات تازه‌ای را پیشنهاد می‌کنند: سنت بدل شده به تراداد، دفاع بدل شده به پدافند، احتراق بدل شده به سوختاری، تعرض بدل شده به آفند و ...» (آل احمد، ۱۳۸۶: ۲۸۴-۲۸۵)

۳- معانی نظامی واژه‌های یاد شده کاملاً دقیق و تعریف شده است و معنی آنها با واژه‌های مترادف تفاوت آشکاری دارند. برای نمونه مثالی می‌آوریم:

«**اخبار نظامی:** عبارتند از دانستنی‌های ارزیابی نشده مربوط به وقایع، مشاهدات، گزارش‌ها، شایعات و یا هر مورد دیگر که بیانگر وضع یک دشمن حقیقی یا احتمالی باشد؛

اطلاعات نظامی: آن دسته از اخبار هستند که صحت و سقم و مثبت و منفی بودن و یا مربوط یا نامربوط بودن آنها با یک سلسله اعمال که شامل جمع‌آوری و پرورش اخبار می‌باشند، مشخص می‌شود؛

اطلاعات رزمی: دانستنی‌هایی است مربوط به جو، زمین و دشمن که برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات تاکتیکی مورد نیاز فرمانده می‌باشند.» (مهرآرا، ۱۳۷۹: ۹۷)

از این منظر مترادف بودن دو واژه زبان فارسی به معنی یکسان بودن معنای آنها در حیطه نظامی نیست و ضروری است که هر واژه در معنای مناسب و دقیق خود استفاده گردد؛ به عبارت دیگر هر واژه، معنای بسیار مشخص و تعریف شده‌ای نزد نظامیان دارد و در کتب علمی

تا حد امکان سعی می‌شود هر یک از واژه‌ها در معنای خاص و دقیق خود به کار برده شود. این امر یکی از ویژگی‌های واژگان نظامی در زبان فارسی است و باید در نگارش فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها به آن توجه نمود. البته این امر مورد اعتراض برخی روشنفکران و استادان قرار گرفته است.

۴- ساختمان اصطلاحات ذکر شده تقریباً همه انواع شیوه‌های اصطلاح و واژه‌سازی را

در بر می‌گیرد و به صورت زیر است:

(الف) اصطلاحات بسیط: سنگر (اسم)، آتش!، مأموریت، مهمات، استتار، رابط، رسته

(تخصص نظامیان را رسته می‌نامند)، ستاد (مرکز فرماندهی مربوط به هر یگان - اعم از

لشکر، نیرو و ... - را ستاد می‌نامند) و ...

(ب) اصطلاحات مشتق (مراد از کلمه مشتق آن است که با ضمیمه‌ها یعنی پسوندها،

پیشوندها و میانوندها ساخته شود (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۱۲۰): دژبان (فردی نظامی

مسئول ایجاد نظم و کنترل عبور و مرور)، زخمی، گشتی، ضد تانک، ضد گلوله، نارنجک،

پرش، پوشش (حایلی که سرباز را از تیر و آتش دشمن محافظت می‌کند)، دیده‌ور،

دیده‌بان، امربر، صبحگاه (مراسمی است ویژه نظامیان به منظور سنجش قدرت و نظم

یگان و ابلاغ دستورهای خاص به هنگام صبح که اغلب ساعت ۷ تا ۹ صبح برگزار

می‌شود) و ...

(پ) اصطلاحات مرکب و گروهی (مراد از کلمه مرکب آن است که اجزای آن، کلمه

یا نیمه کلمه باشد (همان: ۱۲۱): دوربین (قید + بن مضارع)، پیام‌رسان، انضباط

استتار، فرمان آتش، فرمان تیر، نواخت تیر، آتش افتان، آتش مایل، آتش جبهه‌ای،

آتش تقسیم شده، نواخت آتش، آتش هجومی، آرایش نظامی، آرایش مجزا، آرایش لوزی، صورتجلسه، نقطه تقسیم، فشنگ رسام، عمده قوا، نیرو مخصوص، هواپرد، خرج پرتاب، خرج اشتعال، پیاده‌نظام، وسایل تنظیف، شعله‌پوش، دستگاه لوله، خبردار، زه پوکه، عمل سلاح، نیزه فنگ، دوش فنگ، پا فنگ، برگ سینه، عقب‌روی، بار مبنای، برنامه سین (ترتیب اجرای برنامه‌های روزانه یگان و نفر)، چهار بند، بسته خواب، بار همراه و ...

اصطلاحات مرکب پیچیده (یعنی آنهایی که هم مرکبند و هم مشتق و یا آنهایی که بیش از دو کلمه به وجود آمده‌اند(همان): نواخت آتش مداوم (بن فعل + اسم + صفت)، عقب‌نشینی (اسم عربی + بن فعل مضارع + ی)، ستاد مشترک ارتش، صرفه‌جویی در قوا، نقشه‌خوانی، آتش و مانور، آتش و حرکت، آتش پهلویی، آتش تراشنده، آتش ترادفی، آرایش خطی، آرایش ستونی، آرایش یکجا، حرکت برای اخذ تماس، جنگ نامنظم، خرج تأخیری، نبرد ناهمگون، عملیات مراقبت منطقه‌ای، فشنگ دود انگیز، تلفات رزمی و غیررزمی، تغییر سمت ناگهانی، تغییر سمت تدریجی، مسلح کردن با نیروی عقب‌نشینی، بر جک گردنده، خطر خودافروزی و فرسایشی لوله، خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری تامپلا، مأموریت گشت‌زنی، ذخیره‌برداری، اهرم پوکه‌پران، پیشانی جنگی، هدف‌گیری، دهن‌بند (درپوش) لوله، آشیانه تیربارها، قنداق چوبی، قنداق کائوچویی، قنداق تاشو، خان‌کشی، خان‌کوبی، خان‌زنی، خان‌خوری به روش الکتروشیمیایی، خان‌مالی، خان‌پریدگی، کالیبرسنجی، دستگاه ضربت‌گیر، دستگاه دافع، سیستم عقب‌نشینی سلاح عاید (برگشت‌دهنده لوله از عقب‌نشینی)، دستگاه

موازنه فنی، موشک زمین به زمین، موشک بالستیک فجر ۳، خط سیر منحنی، احتیاط عقب سلاح، مهمات مجزای پرشونده، دستگاه گهواره سلاح‌های سنگین، پیچش خان، در جا قدم رو، نظر به راست، از راست نظام، دوش فنگ، پا فنگ، عقب‌نشینی اختیاری، رزم در کوهستان (کماندو)، زندگی در شرایط سخت، رهایی گروگان، جنگ شهری، دوره چتربازی، دوره جهت‌یابی دستگاه نشان‌روی، دستگاه نشان‌روی تک‌نقطه‌ای، خطر خودافروزش نابهنگام باروت و ...

نکته: سرتیپ رستمی در «فرهنگ واژه‌های نظامی»، «خان» را این گونه تعریف کرده است: «شیارهای مارپیچی شکل است که در لوله یک جنگ افزار تعبیه شده به منظور اینکه به گلوله حرکت چرخشی داده و موجب دقت بیشتر تیراندازی شود...» (رستمی، ۱۳۸۶: ذیل واژه خان). صاحب نظران نظامی ابتدا واژه «خان» را ساخته‌اند و بعد با آن واژه‌های گوناگون نظامی با ترکیب با این واژه ساخته‌اند که معانی جداگانه دارند؛ مانند: خان‌زنی (خان (اسم) + بن فعل + ی)، خان کوبی، خان مالی، خان‌کشی، خان‌خوری، خان‌خوری به روش الکتروشمیایی، خان‌پریدگی، طول خان، عرض خان و ... که این امر بیانگر توانایی و پویایی زبان فارسی در خلق واژگان جدید (نظامی) است ۵. یکی از برداشت‌هایی که درباره واژه‌سازی نظامیان وجود دارد، این است که تصور می‌شود به علت نفوذ سره‌نویسان و برخی افراد مشابه در ارتش، در واژه‌سازی و واژه‌گزینی نظامی طریق افراط پیموده شده و ایرادهایی به برخی واژگان مانند «پدافند» و «پاتک» و ... وارد است. در این مورد باید گفت که بررسی متون نظامی نشان می‌دهد که ورود این واژه‌ها به دایره واژگان نظامی زبان فارسی به این معنا نبوده

است که یکسره واژگان قدیمی را از میدان خارج نماید، بلکه به عنوان انتخاب جدیدی در برابر نویسندگان و صاحب نظران نظامی قرار گرفته‌اند. برای مثال امروزه صاحب نظران نظامی هم اصطلاح «پدافند» را در عبارت‌هایی مانند «پدافند عامل» و «پدافند غیرعامل» و ... به کار می‌برند و هم از واژه «دفاع» در برخی موارد دیگر استفاده می‌کنند. یا هم اصطلاح «پاتک» به کار می‌رود هم اصطلاح «ضدحمله». هر چند به مرور استفاده از واژه‌هایی مانند تک، پاتک، پدافند و... رواج بیشتری یافته است، هنوز هم در کتاب‌های علمی نظامی،

۱- واژگان قدیمی مانند «حمله»، «ضدحمله»، «دفاع» و ... استفاده می‌شود. علاوه بر آن، بسیاری از واژگان سره نویسان مانند واژه «فرست» به جای «غایب» وضع کرده بودند، هیچگاه جا نیفتاده و رایج هم نشده است.

۶- بسیاری از واژگان نظامی گذشته به دلیل تغییر شیوه‌های جنگ، تغییر تجهیزات و سایر علل اجتماعی، امروزه متروک شده‌اند؛ مانند واژه‌های فارسی برگستوان، فتراک، خفتان، قربان، کیش، کمند، گرز، زین و برخی واژه‌های نظامی گذشته در معانی جدید به کار گرفته شده‌اند؛ مانند زره‌پوش، نبرد ناو، (خودرو) زرهی، سفینه فضایی، ثاقب، رسام و...

۷- نکته دیگری که ذکر آن ضروری است اینکه در فرمان‌های نظامی ما با گروهی از واژگان روبرو هستیم که در زیرمجموعه «اصطلاحات مرکب و گروهی» و «اصطلاحات مرکب پیچیده» (بنا به تقسیم‌بندی استاد فرشیدورد) جای می‌گیرند. این اصطلاحات ویژگی‌های خاصی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) بیشتر این اصطلاحات، جمله محسوب می‌شوند. این دسته به دو نوع جملات

بی‌فعل و با فعل تقسیم می‌شوند. نوع اول، جملات بی‌فعل هستند؛ مانند اصطلاح‌های

«به جای خود»، «از جلو نظام»، «نیزه جا»، «نظر به راست»، «به چپ چپ»، «گروه

مسلح به پرچم پیش فنگ»، «آزاد»، «دوش فنگ»، «پا فنگ»، «بند فنگ» و

دسته دوم جملات با فعل هستند؛ مانند: «در جا قدم رو»، «بدو رو»، «گردان

ایست»، «خبر دار»، «عقب گرد»، «چپ به عقب رو» و ...

یا شاید بتوان آنها را جمله‌واره نامید.

ب) «ایجاز» آشکارترین و مهمترین ویژگی این عبارات یا واژگان است که از نیاز

مبرم نظامیان به سرعت عمل زبانی و رفتاری سرچشمه می‌گیرد.

پ) لحن و طریقه بیان این واژگان به صورت خاصی است و باید به طور محکم،

قاطع و باصلابت ادا شود.

ت) ترتیب بیان بیشتر واژگان یاد شده نیز آیین خاصی دارد. به این معنی که هر یک

از اصطلاحات یاد شده به دو بخش تقسیم می‌شود و بخش اول را «خبر» و جزء

دوم را «اجرا» گویند؛ برای مثال در فرمان «خبر دار» ابتدا واژه «خبر» بیان

می‌شود و سپس واژه «دار» با مکث ادا می‌شود. یا در فرمان «به چپ چپ»، ابتدا

«به چپ» و سپس «چپ» دوم ذکر می‌شود. البته برخی از این اصطلاحات با هم

بیان می‌شود. مانند «به جای خود».

ث) تکیه بیشتر این اصطلاحات در واژه آخر هر یک از اصطلاحات است. مثلاً در

عبارت «به چپ چپ» که در دو بخش بیان می‌شود، در هر دو بخش تکیه در

حرف «چ» واژه «چپ» است و حرکت حرف «پ» در هر دو بخش، ساکن است.

در نیروهای نظامی برای خلاصه‌نویسی و صرفه جویی در زمان و هزینه، از واژگان و

اصطلاحات اختصاری (مخفف) استفاده زیادی می‌شود. حتی می‌توان گفت که در ایران، از اولین

سازمان‌هایی که از این واژگان استفاده کردند و در حال حاضر هم از مهمترین آنها، نیروهای

نظامی هستند. نمونه‌هایی از این دست که در ارتش (نیروهای نظامی ایران) استفاده می‌شود،

عبارتند از: آجا (ارتش جمهوری اسلامی ایران)، نزا (نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

ایران)، نه‌اجا (نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)، ندا (نیروی دریایی ارتش

جمهوری اسلامی ایران)، اتکا (اداره تدارکات کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران)، «ع-س»

یا «ساعس» (سازمان عقیدتی سیاسی)، جنگال (جنگ الکترونیک)، ش.م.ه (شیمیایی، میکروبی و

هسته‌ای)، ساصد (سازمان صنایع دفاعی)، مرامخ (مرکز آموزش مخابرات)، دا-اف (دانشگاه یا

دانشکده افسری)، مراپش (مرکز آموزش پشتیبانی)، نوهد (نیروهای ویژه هوایرد)، فاوا (فناوری

اطلاعات و ارتباطات)، مراپهی (مرکز آموزش بهداری)، مرامهن (مرکز آموزش مهندسی)،

مرا تو (مرکز آموزش توپخانه)، سابا (سامانه آموزش بدون استاد) و ...

البته نوع دیگری از اختصارات نظامی وجود دارد که تنها در مکاتبات و نگارش‌های نظامی به

کار برده می‌شوند. برای مثال هنگامی که نامه‌ای خطاب به فرمانده تیپ نوشته می‌شود، اغلب

به جای «فرماندهی محترم تیپ ...»، «ف محترم تیپ ...» ذکر می‌شود. یا نام قسمت‌های

مختلف یگان‌ها به صورت مخفف ذکر می‌شود؛ مثلاً به جای «مدیریت پشتیبانی آموزش»، عبارت «مد پیش آ» ذکر می‌شود.

به علت اجبار و انضباط شدیدی که بر این سازمان حاکم است، قدرت و نفوذ نهادهای واژه‌گزینی دولتی (نهادهای رسمی) بر این سازمان زیاد است و شرایط و امکانات بسیار خوبی برای ترویج واژه‌ها در خود نهفته دارد. نفوذ فرماندهان بر سربازانی که به ارتش می‌آیند و می‌روند، تعامل بین سربازان، دانشگاه‌های افسری ارتش، مراکز آموزش نظامی، سایر سازمان‌های نظامی، خانواده کارکنان و سربازان و ... استعداد شگرفی را برای کاربرد واژه‌های مصوب و واژه‌سازی طبیعی برای سازمان فراهم کرده است؛ بنابراین (به علت وضعیت و شرایط خاص ارتش) این سازمان و دیگر سازمان‌های نظامی استعداد زیادی در واژه‌سازی و کاربرد مؤثر و فراگیر واژگان مصوب دارند.

شهریار بهرامی نیز به واژه‌سازی واژه‌سازان گمنام اشاره کرده است و یکی از مهمترین آنها را در ارتش می‌نامد: «لشگریان سه گانه که در زمره واژه‌پردازان و واژه‌سازان گمنام جا می‌گیرند و جایگاه مهمی هم دارند، عبارتند از:

الف) ارتش به طور عام به انضمام صنایع نظامی و دفاعی؛

ب) راه آهن؛

ج) شرکت نفت به طور عام به انضمام صنایع وابسته مثل پتروشیمی و...

در این سه عرصه هم در عصر حاضر، هزاران واژه فنی و عمدتاً به دست همان واژه‌سازان گمنام ساخته و متداول شده است.» (بهرامی، ۱۳۷۸: ۴۷۷).

به این ترتیب اغلب واژه‌سازان نظامی از واژه‌سازی درون متنی و واژه‌سازی بیرونی در حوزه تخصصی خود استفاده کرده‌اند. در حال حاضر با توجه به شرایط خاصی که ناشی از ورود بی‌حد و حصر واژگان بیگانه به علت رشد سریع علوم و فناوری و نتایج آن به وجود آمده، بهتر است از این واژه‌سازان گمنام و واژه‌های وضع شده آنها استفاده شود. در این میان وظیفه نهادهای رسمی مانند فرهنگستان خطیر است و باید توجه زیادی به این امر داشته باشند. آنها باید نقش نظارتی و کنترلی بیشتری به این امر داشته باشند تا واژه‌ها قبل از اینکه کاربرد عام یابند، مورد تأیید فرهنگستان قرار گیرند تا مطابق با روح زبان فارسی و ذوق مردم باشند. به عبارت دیگر لازم است فرهنگستان برای انتخاب واژگان جدید توجه زیادی به واژگان ساخته شده به دست واژه‌سازان گمنام و شیوه‌های واژه‌سازی آنها داشته باشد.

منابع و مآخذ

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد اول. انتشارات زوار.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما. زوار.
- آل احمد، جلال. (۱۳۸۶). در خدمت و خیانت روشنفکران (چاپ پنجم). انتشارات فردوس.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۱). دستور تاریخی زبان فارسی (چاپ سوم). انتشارات سمت.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۶). تاریخ زبان فارسی (چاپ هشتم). انتشارات سمت.
- بهرامی، شهریار. (۱۳۷۲). اقدام واژسازی در حوزه فنی به شیوه واژسازان گمنام. در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم. مرکز نشر دانشگاهی.
- حسینی، سیدمحمد رضا، و کاظمی، مجید. (۱۳۸۸). مشق صف جمع (چاپ اول). دانشگاه افسری امام علی (ع).
- دهخدا، علی اکبر، معین، محمد، و شهیدی، جعفر. (۱۳۲۵). لغت نامه دهخدا (چاپ اول). دانشگاه تهران.
- رستمی، محمود. (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های نظامی (چاپ دوم). انتشارات ایران سبز.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۴). سابقه فرهنگستان در ایران. نامه فرهنگستان، سال اول، شماره اول، بهار.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲). انواع ادبی و شعر فارسی. مجله خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر چهارم، دفتر سوم و سوم. دانشگاه شیراز.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۴). معانی (چاپ نهم). نشر میترا.
- صادقی، رضا. (۱۳۷۲). تجربه‌های زبان فارسی در علم. در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم. مرکز نشر دانشگاهی.
- صدیق، عیسی، و یاسمی، رشید. (۱۳۲۷). آرایش و پیرایش زبان فارسی. چاپخانه پیمان.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). یادگار عمر (جلد دوم). دهخدا.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، بخش اول (چاپ هفتم). انتشارات فردوس.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۰). لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی (زبان‌شناسی برای زبان فارسی) (چاپ اول). سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، انتشارات سوره مهر.

فروغی، محمدعلی. (۱۳۵۴). پیام به فرهنگستان. پیام.

کافی، علی. (۱۳۶۳). گرایش‌های گوناگون در واژه‌گزینی. نشر دانش، سال پنجم، شماره اول، آذر و دی.

کیانوش، حسن. (۱۳۸۱). واژه‌های برابر فرهنگستان ایران (چاپ اول). انتشارات سروش.

می‌پر، پیتر. (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ و ارتش (دکتر محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی، ترجمه). نشر قومس.

معین، محمد. (۱۳۴۲). فرهنگ فارسی (دوره شش جلدی، چاپ اول). امیر کبیر.

مهرآرا، داوود. (۱۳۷۹). دانش نظامی افسران؛ اطلاعات نظامی، جلد اول. چاپخانه مرکز پشتیبانی آموزش.

ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۹). تاریخ زبان فارسی، جلد اول (چاپ چهارم). نشر نو.

ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۳). زبان‌شناسی و زبان فارسی (چاپ ششم). انتشارات توس.

وطن‌خواه، احمد، و امید ویسی. (۱۳۹۰). مهندسی سلاح (چاپ اول). دانشگاه افسری امام علی (ع).

